



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## رویکرد عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

رویا الم خیلی زاده

آموزش و پرورش استان تهران منطقه پیشوا

### چکیده

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه ویژه‌ای به مقوله عدالت آموزشی در ایران شده است. عدالت مدنظر در این سند رویکردی تربیتی دارد. عدالت تربیتی، یعنی عدالتی که به تربیت در همه ساحت‌های شش‌گانه زیستی‌بدنی، علمی‌فناوری، زیبایی‌شناختی‌هنری، اجتماعی‌سیاسی، اعتقادی‌اخلاقی و اقتصادی وجودی انسان بپردازد، آن هم مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و با هدف تحقق شجره طیبه از جمله مؤلفه‌های عدالت آموزشی که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به آن اشاره شده است، عبارت‌اند از: بسترسازی عادلانه، مشارکت جمعی، آموزش و پرورش همگانی، همه‌جانبه‌نگری در برنامه درسی، تعامل منصفانه، ارتقای کیفیت آموزش برای همگان، دسترسی یکسان به امکانات، توجه به تفاوت‌های فردی، مدیریت بهینه منابع و شایسته‌سالاری.

کلیدواژه: فرهنگی، تبعیض، کیفیت درسی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

پیرامون مفهوم عدالت در طول تاریخ نظریه‌های گوناگونی تبیین شده‌است. فیثاغورث عدالت را رعایت حقوق افراد مطابق استعدادهای طبیعی آن‌ها می‌داند؛ از نظر سقراط عدالت رعایت نوعی تناسب و هماهنگی است؛ از دیدگاه افلاطون عدالت نوعی تناسب و تعادل در امور است (جمشیدی، ۱۳۸۰). عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه‌ی استحقاق‌های مساوی، عدالت اجتماعی عبارت است از ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان و رفع موانع برای همه به طور یکسان (مطهری، ۱۳۵۲). یکی از مؤثرترین راه‌های تحقق عدالت اجتماعی تأمین فرصت‌های یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش و پرورش است و همه‌ی آحاد انسانی حق دارند از آموزش و پرورش یکسان برخوردار گردند. در جهان کنونی یکی از شاخص‌های پیشرفت اجتماعی، آموزش و پرورش و چگونگی بهره‌مندی از آن می‌باشد. بر همین مبنا کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه درصد ایجاد فرصت‌های برابر دسترسی همگان به آموزش و پرورش هستند (عبدوس، ۱۳۸۱). برابری به مهیاسازی فرصت‌های برابر، متناسب با نیازهای ویژه‌ی هر فرد اشاره دارد. زیرا افراد در دانش مهارت، توانایی، انواع یادگیری و پیشینه‌ی فرهنگی و نیازهای آموزشی‌شان با هم متفاوتند (دهقانی، ۱۳۸۴). منظور از برابری جلوگیری، حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، وضعیت جسمانی، سنی، زبانی، طبقه‌ی اجتماعی می‌باشد (بابادی و همکاران، ۱۳۸۷).

مفهوم برابری فرصت‌های آموزشی مفهومی است نسبی که به تبع شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی جامعه در حال تغییر است و تاکنون سه شکل مشخص به خود گرفته است؛ برابری فرصت‌های آموزشی به معنی درون‌داد مساوی، برابری فرصت‌های آموزشی به معنی فرآیند مساوی و برابری فرصت‌های آموزشی به معنی برونداد مساوی (جوادی، ۱۳۷۸). هنگامی که از نابرابری یا برابری فرصت صحبت می‌شود منظور نابرابری فرصت بین دختران و پسران در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت‌های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور می‌باشد.

## ضرورت عدالت آموزشی

محقق شدن عدالت در یک جامعه، ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و آموزش آن کشور دارد. اگر در آموزش و فرهنگ یک کشور گریز از تبعیض، فساد، خیانت و حق‌کشی وجود داشته باشد و مردم به حق و عدالت گرایش داشته باشند می‌توان به نوعی تعادل در آموزش رسید که همان عدالت فرهنگی و آموزشی است. جایگاه رفیع آموزش و وجود استعدادها سرشار و توانمند وجود عدالت را بیشتر ضروری می‌سازد. عدالت آموزشی در آموزش و پرورش از اصولی است که اخیراً دولتمردان برای اجرای آن اهتمام خاص مبذول داشته‌اند و در برنامه‌های کار به دستان آموزش و پرورش بر اجرای این اصل غریب تأکید شده‌است. عدالت آموزشی آرزو و امیدی است که می‌تواند فردای روشنی را برای فرزندان این دیار به ارمغان آورد (تنها، ۱۳۸۳).

## تأثیر عدالت آموزشی

عدالت آموزشی بنیان فکر و فرهنگ یک جامعه است. با عدالت آموزشی قله‌های رفیع نابرابری ارتفاع‌شان کم خواهد شد. وقتی عدالت آموزشی در یک سیستم آموزشی حاکم باشد فرهنگ آن جامعه متوازن و پایدار خواهد بود و در بستر این فرهنگ



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

متوازن بالندگی فکری، اقتصادی، سیاسی و آموزشی رشد می‌کند. تنها در صورتی می‌توان به عدالت در جامعه امید بست که عدالت آموزشی حاکم باشد. با عدالت آموزش بغض گلوگیر فرزندان نشسته در یک کلاس در دورترین روستاها به لبخند و مهرگره خواهد خورد و یکرنگی و صفا و صمیمیت در هر کجای این کشور عزیز تماشایی خواهد شد.

آنچه مسلم است عدالت آموزشی می‌تواند بستر ساز عدالت آموزشی، اجتماعی و اقتصادی باشد با عدالت اجتماعی نخبگان شناسایی و جذب می‌شوند و با عدالت آموزشی یکسونگری و یک جانبه گرایی رنگ می‌بازد و زمینه بروز همه استعدادها در این دیار فراهم می‌شود.

عدالت آموزش که جزئی از عدالت فرهنگی است زمینه بر خورداری افراد یک جامعه از همه امکانات برابر آموزش را فراهم می‌آورد. در طول تاریخ، عدم وجود عدالت آموزشی و فرهنگی از سرعت پیشرفت تمدن بشری کاسته و همواره تضاد طبقاتی به چشم می‌خورد. یکی از شاخه‌های مهم عدالت محوری فراهم شدن امکان رشد و اعتدال فرهنگی و آموزشی برای همه مردم صرف نظر از جنس، طبقه، نژاد و یا رنگ است. در نظام حکومتی امام مهدی (عج) نادانی، بی‌سوادی و کم‌خردی به طور کلی ریشه‌کن شده و همه انسان‌ها به مقتضای توانایی خود از بالاترین حد دانش بهره‌مند می‌شوند. بدیهی است ملتی که دلدادگی به عدالت برایش به صورت یک باور درآمده باشد و این باور از میان کتاب‌های درسی ذهن فرزندان این دیار را به کنکاش و تکاپوی بیشتر برای توزیع امکانات متناسب با نیازهای روز نشات گرفته باشد می‌تواند در حاکم شدن ارزش‌های متعالی انسانی در پرتو برابری‌های مطلوب آموزشی مثمرتر باشد. با تحقق عدالت آموزشی و فرهنگی است که همه استعدادهای توانمند بارور و شکوفا می‌شود حکومت با استفاده از امکانات موجود نسبت به آموزش گسترده مردم برای احترام به قانون و روی آوردی به عدالت و هنجارپذیری خواهد کوشید (مطهری، ۱۳۵۲).

با عدالت فرهنگی و آموزشی است که می‌توان بین اجزای جامعه همسویی ایجاد کرد و جامعه را به سمت اهداف متعالی پیش برد. حس میهن دوستی، فداکاری، ایثار و غیرتمندی و ایستادگی در برابر ظلم و جور را در آن جامعه برانگیخت و آن را یک صدا و یک دل و یک پارچه در راه سازندگی و آبادانی و پیشرفت پیشگام کرد (تنها، ۱۳۷۸).

عدالت آموزشی می‌تواند بنیان جامعه را متحول کند. کشور را به سمت علمی‌نگری و حرمت نهی به علم پیش برد. جامعه را از صعب‌ترین مسیرها برای نیل به سربلندی سوق دهد، می‌تواند جامعه را از فقر مضاعف و تنگدستی برهاند و با توزیع مناسب امکانات خصوصاً در زمینه نیروی انسانی کار آزمون فرزندان شایسته‌ای را به این سرزمین پاک تقدیم نماید (مطهری، ۱۳۵۲). یکی از راهبردهای جدی سند تحول، بحث عدالت آموزشی است. البته در آنجا ما واژه عدالت تربیتی را داریم که اعم از آموزش و پرورش مصطلح امروز ماست. مجموعه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی رایج با عنوان تربیت یاد می‌شود. مجموعه فعالیت‌هایی که به تقویت مهارت‌ها و توانمندی‌های یک فرد و شایستگی‌های او در تمام ساحت‌های وجودی وی کمک می‌کند. در واقع وقتی گفته شود تربیت صرفاً تربیت مذهبی یا اخلاقی یا سیاسی مد نظر نیست بلکه تربیت فناورانه، هنری، زیستی، بدنی همه مجموعه اینها را در سند تحول با واژه تربیت یاد کرده‌ایم؛ بنابراین گفته شده است تربیت در ساحت‌های شش‌گانه وجودی انسان. عدالت تربیتی یعنی عدالتی که به همه این ابعاد بتواند بپردازد. برای مثال در مدارس دخترانه باید امکان ورزش باشد. وقتی دانش‌آموزان دختران ما در خانه یا خیابان امکان ورزش ندارند پس مدرسه باید این امکان را فراهم کند. اگر برای مدرسه یک آپارتمان کوچکی اجاره شود که صرفاً میز و نیمکت و معلم و درس دایر باشد و دانش‌آموز دختر ما امکان ورزش نداشته باشد حتی اگر در پایتخت باشد در حق وی بی‌عدالتی رخ داده است. پس برای تحقق عدالت باید به همه ابعاد وجودی انسان توجه کرد و برای رسیدن به این مرحله، کار سنگینی در پیش است. مهم این است که نسلی داشته باشیم که همه ابعاد را در



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کنار هم داشته باشد و رشد متعادل و متوازن داشته باشد و هیچ بُعد از زندگی‌اش به دلیل حاکمیت ابعاد دیگر قربانی نشده باشد. نقدی که به مدرنیته و پست‌مدرنیته می‌شود نیز از همین نظر است. در واقع انسان‌ها را تک‌ساحتی کرده‌ایم و انسان‌ها در کاری تخصصی شده‌اند اما همه ابعاد وجودی‌شان رشد نکرده است. عدالت آموزشی و عدالت تربیتی زمانی محقق می‌شود که فرصت یادگیری برای رشد همه‌جانبه انسان فراهم باشد. اگر نظام آموزش و پرورش ما بتواند این فرصت یادگیری را ایجاد کند و یک انسان چند بُعدی تربیت کند پس می‌توان گفت سیستم، عادلانه برخورد کرده است اما اگر در هر بُعدی کم بگذارد به انسان، بی‌عدالتی شده زیرا اجازه رشد از او گرفته شده است.

## پیشینه‌ی تحقیق

اسلام براساس جهان‌بینی الهی و توحیدی می‌گوید که انسان‌ها همه با یکدیگر برابرند نه اینکه باید برابر باشند و این یک واقعیت طبیعی و سنت خداوندی است. حضرت محمد (ص) در این رابطه فرمود: عرب بر عجم و عجم بر عرب و سرخ بر سیاه و سیاه بر سرخ فضیلتی ندارد، مگر آنکه تقوایش بیشتر باشد (احمدی، ۱۳۷۲). یکی از اصلی‌ترین راهکارهایی که پیامبر گرامی اسلام (ص) در برنامه‌های آسمانی خود داشته‌اند تا زمینه و بستر لازم را برای نجات و هدایت انسان‌ها فراهم سازند، حاکمیت قسط و عدالت اجتماعی در تمام زوایای زندگی انسان‌هاست.

گاتمن سه روش برای ایجاد فرصت‌های آموزشی برابر مطرح کرد که عبارتند از: حداکثرسازی، برابرسازی و نخبه‌پروری. دولت می‌تواند منابع زیادی به آموزش در به حداکثر رساندن فرصت برای همه‌ی دانش‌آموزان اختصاص دهد. گاتمن این رویکرد را حداکثرسازی نامیده است. اما این رویکرد در نظام آموزشی دارای منابع محدود، عملی نیست. روش دوم جستجوی فرصت‌های آموزشی برابر را برابرسازی نامیده است. این رویکرد شانس زندگی دانش‌آموزان محروم را مانند دانش‌آموزان ثروتمند افزایش می‌دهد. رویکرد برابرسازی به برابری نتایج اشاره دارد و برای دستیابی به این امر باید همه‌ی موانع طبیعی و محیطی دستیابی به سطوح متفاوت آموزش از بین بروند. رویکرد سوم نخبه‌پروری است. در این مورد منابع آموزشی باید به نسبت توانایی طبیعی و انگیزه‌ی یادگیری افراد توزیع شود. گاتمن با تعریف آستانه‌ی دموکراتیک بین برابرسازی و نخبه‌پروری تعادل ایجاد می‌کند. این رویکرد بیان می‌کند که آموزش باید به اندازه‌ی کافی برای همه‌ی دانش‌آموزان ارائه شود تا افراد زندگی خوبی داشته‌باشند و همچنین بتوانند در فرآیندهای دموکراتیک که انتخاب‌های بهتر افراد را شکل می‌دهد، مشارکت فعل داشته باشند (Ferguson, ۱۹۹۸).

راهکارهای پیشنهادی بتماراجی (Bethmarajah, ۲۰۰۴) برای بهبود برابری عبارتند از:

- فرهنگ‌سازی به منظور کاربرد سیستم اطلاعات مدیریت برای اطلاع‌رسانی به سیاستگذاران
- تمرکززدایی
- تخصیص بودجه‌ی بیشتر به آموزش ابتدایی و متوسطه در مقابل آموزش عالی
- اعطای وام و کمک هزینه‌ی تحصیلی به دانش‌آموزان محروم
- تشویق خصوصی‌سازی در آموزش
- تدوین سیستم بودجه‌بندی مدارس دولتی براساس نیازسنجی
- عبدوس (۱۳۸۱) اقدامات مؤثر برای رفع نابرابری‌های آموزشی را در کاربست روش‌های زیر می‌داند؛
- احداث مدرسه در نزدیکی محل زندگی دختران
- کاهش هزینه‌های والدین از طریق اعطای بورس تحصیلی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- تهیهی برنامه‌ی درسی متناسب برای زندگی روزمره‌ی دختران
- افزایش مشارکت جامعه
- تمرکززدایی
- نظام‌های آموزشی متنوع
- 

## بحث و نتیجه‌گیری

مسئولان جامعه با آرزوی ارتقای رفاه عمومی، آزادی و عدالت برای همه فعالیت می‌کنند. لازمه‌ی تحقق آرزوهای آنان برابری فرصت‌های آموزشی و فراهم کردن محیطی با حداقل محدودیت می‌باشد. با توجه به مجموع آنچه مطرح شد، راهکارهای ارائه شده بیش از سطح متوسط برای تأمین و گسترش عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی مؤثر هستند. نتایج پژوهش نشان‌داد که راهکارهای "تأسیس انجمن‌هایی خیرین مدرسه‌ساز در مناطق محروم" و "توسعه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش" مهم‌ترین راهکارهای تأمینی و گسترش برابری فرصت و عدالت آموزشی در وضعیت موجود می‌باشند. این یافته‌ها با نتایج حاصل از وضعیت مطلوب نیز هم‌خوان است. بر مبنای یافته‌های موجود می‌توان پیشنهادات زیر را مطرح کرد:

۱. فرهنگ‌سازی و آگاه کردن افراد جامعه به وقف و اختصاص اموال خود به امر مدرسه‌سازی
  ۲. تشویق و تقدیر از خیرین مدرسه‌ساز
  ۳. برگزاری همایش‌هایی به منظور آگاه کردن مردم از اقدامات خیرین
- پژوهش‌ها نشان می‌دهد که "توزیع متناسب معلمان با کیفیت و ماهر در مناطق" مهم‌ترین راهکار مطلوب تأمین و گسترش عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی می‌باشد. نتایج پژوهش‌های انجام شده جاک‌ی از آن است که در وضعیت مطلوب "آگاه کردن برنامه‌ریزان نسبت به اهمیت و نتایج برابری فرصت‌های آموزشی، راهکاری مهم در جهت تحقق برابری فرصت‌ها قلمداد شده‌است.

## پیشنهادات

۱. سازمان‌دهی نیروی انسانی با رعایت ضوابط و مقررات تعیین شده
۲. سازمان‌دهی معلمان براساس نوع و میزان نیاز مناطق
۳. تشویق معلمان متخصص و ماهر به تدریس در مناطق محروم با اختصاص پاداش‌ها و مزایای شغلی مناسب
۴. برگزاری و غنی‌تر کردن آموزش‌های ضمن خدمت مرتبط با برنامه‌ریزی
۵. تشویق برنامه‌ریزان و مدیران به نوشتن مقاله‌های تخصصی در مورد مسائل روز آموزش و پرورش
۶. راه‌اندازی شبکه‌های اینترنتی در زمینه‌ی آموزش و پرورش و آشنا کردن همه‌ی دست‌اندرکاران با جستجوی اینترنتی

## منابع

۱. احمدی، احمد، ۱۳۷۲، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲. بابادی عکاشه، زهرا و شریف، سیدمصطفی و جمشیدیان، عبدالرسول، ۱۳۸۷، تأمین و گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی در آموزش و پرورش استان اصفهان، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳. تنها، محمدجواد، عدالت آموزشی و فرهنگی، روزنامه کیهان ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۳.
۴. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۰، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی و شهید صدر، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
۵. جوادی، محمدجعفر، ۱۳۷۸، نابرابری‌های آموزشی و ابعاد جامعه شناختی آن، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت.
۶. دهقانی، سعیده، ۱۳۸۴، بررسی فرصت‌های آموزشی در استان فارس در برنامه دوم و سوم توسعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۷. عبدوس، میترا، ۱۳۸۱، بررسی عوامل مؤثر در فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دختران و پسران، خلاصه مقالات مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۸. محمدی، محمدعلی و دهقان، حسین، ۱۳۸۳، آموزش و پرورش و گفتمان‌های نوین، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۹. مرادی، مسعود، ۱۳۸۲، بررسی برابری فرصت‌های آموزشی در دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن در مناطق آموزشی استان زنجان در سال تحصیلی ۸۱-۸۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۱۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۲، عدل الهی، تهران، صدرا.